



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission  
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران  
انجمن حقوق انسان اسلامیة فی ایران



نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری درباره تغییرات اقلیمی: جایی که حقوق و سیاست  
به هم می رسند

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

زمستان ۱۴۰۴

## توضیحات مقدماتی کمیسیون:

کمیته جامعه ای را در سطح جهانی می توان یافت که امروزه متاثر از تغییرات اقلیم و پیامدهای منفی آن نباشد. از همین رو اهتمام به تعهدات همه کشورها در مقابله با تغییرات اقلیم بیش از پیش اهمیت یافته است. در این روند، سازوکارهای مختلف ملی یا بین المللی در تلاشند تا نقش موثری در مواجهه با تغییرات اقلیم ایفا کنند. کشورهای سراسر جهان در سال ۲۰۲۳ با تصویب قطعنامه ای در مجمع عمومی ملل متحد از دیوان بین المللی دادگستری خواستند تا نظر مشورتی در خصوص تعهدات دولتها در زمینه تغییرات اقلیم ارائه کند. این درخواست با این هدف انجام شد که ابعاد حقوقی موضوع رشد بیشتری پیدا کند. دیوان بعد از گردآوری نظرات همه کشورها و طی روند مفصلی بالاخره در ۲۳ جولای ۲۰۲۵ نظر مشورتی خود را اعلام کرد. این نظر توجهات گسترده جهانی را برانگیخت به ویژه فعالان محیط زیست و تلاشگران مقابله موثر با پیامدهای منفی تغییرات اقلیم به استقبال آن آمدند و شرح های مختلف در مورد مفاد این نظر مشورتی ارائه شد. در محافل علمی حقوق بین الملل نیز بحثها و نقد و نظرهای متنوعی در این خصوص انجام شد و هم چنان بحث و گفتگوها در این زمینه ادامه دارد.

نوشتار حاضر یکی از آثار مختصری است که تلاش کرده تا شرحی در مورد مفاد نظر مشورتی دیوان در زمینه تغییرات اقلیم ارائه کند. نظر به اینکه نویسنده این متن از فعالان جهانی حوزه محیط زیست است طبیعتاً نوع نگاه او می تواند برای مخاطبان مختلف در خور توجه باشد.

امید است برگردان فارسی این نوشتار برای عموم مخاطبان اعم از نهادهای رسمی، فعالان غیر دولتی و عموم مردم مفید و جملگی این انگیزه را پیدا کنیم که بر تلاشهای خود برای حفاظت از محیط زیست و مواجهه هوشمندانه با تغییرات اقلیم و رعایت حقوق انسانی در این زمینه بیفزاییم.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

دی ۱۴۰۴

◆ نویسنده: النا کوسولاپووا، ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۵ منتشره در سامانه قطب دانشی توسعه پایدار  
◆ متصدی روند برگردان انگلیسی به فارسی: سیده سمیرا معروف، دانش پژوه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل و  
همیار کمیسیون/ ویرایش و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون، دیماه ۱۴۰۴  
◆ ماخذ: [www.sdg.iisd.org](http://www.sdg.iisd.org)  
◆ شناسه متن: ۰۴/۴/۴۰۳  
هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا بازنشر جزئی یا کلی آن با ذکر ماخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی  
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.



## متن مقاله:

[در جهان کنونی] تصور مسئله‌ای که از منظر سیاسی بیش از تغییرات اقلیمی حساس و مناقشه‌برانگیز باشد، دشوار است. نتایج کارزارهای انتخاباتی ریاست‌جمهوری [در کشورهای مختلف] گاه بسته به موضع نامزدها درباره گرمایش جهانی رقم می‌خورد. فرایند سیاسی بین‌المللی‌ای که در پی حل بحران اقلیم است، به مذاکرات پرتنش و اختلاف‌برانگیزش شهرت دارد. با این حال، در پی صدور نظر مشورتی اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری درباره تغییرات اقلیمی، اقدام اقلیمی دیگر صرفاً مسئله‌ای مبتنی بر اراده سیاسی نیست، بلکه به‌عنوان یک الزام حقوقی طبقه‌بندی شده است.

این یادداشت سیاستی بررسی می‌کند که نظر مشورتی دیوان [بین‌المللی دادگستری] چگونه در نقطه تلاقی حقوق و سیاست حرکت کرده و با تعیین یک معیار حقوقی روشن، مسیر اقدامات اقلیمی آینده را شکل داده است.

### در جست‌وجوی شفافیت حقوقی

در پی نارضایتی از کندی روند مذاکرات اقلیمی، کارزاری با محوریت جوانان توانست فرایندی سیاسی را به حرکت درآورد که در نهایت، در سال ۲۰۲۳ به تصویب قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل متحد انجامید. این قطعنامه از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کرد تا تعهدات دولت‌ها در ارتباط با تغییرات اقلیمی و پیامدهای حقوقی ناشی از نقض این تعهدات را روشن سازد. مجمع عمومی، پرسش‌های زیر را پیش روی دیوان قرار داد:

- تعهدات دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل، در جهت تضمین حفاظت از نظام اقلیمی و سایر اجزای محیط زیست در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت‌های انسانی، هم نسبت به خود دولت‌ها و هم نسبت به نسل‌های کنونی و آینده چیست؟

- پیامدهای حقوقی ناشی از نقض این تعهدات برای دولت‌هایی که از طریق فعل یا ترک فعل خود، خسارت قابل توجهی به نظام اقلیمی و سایر اجزای محیط زیست وارد کرده‌اند چیست؟ به‌ویژه در ارتباط با الف): دولت‌ها، از جمله دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه (SIDS)، که به دلیل شرایط جغرافیایی یا سطح توسعه خود، متضرر شده‌اند، به‌طور خاص تحت تأثیر قرار گرفته‌اند یا در برابر آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیری ویژه دارند.

ب): مردم و افراد متعلق به نسل‌های کنونی و آینده که از آثار منفی تغییرات اقلیمی متأثر می‌شوند. در واقع درخواست مجمع عمومی به دنبال آن بود تا مرز اغلب سیال میان آنچه از نظر حقوقی الزام‌آور است و آنچه صرفاً از منظر سیاسی مصلحت‌آمیز تلقی می‌شود را یک‌بار برای همیشه مشخص کند.

### حقوق [بین‌الملل] چه می‌گوید؟

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی ۱۴۰ صفحه‌ای خود، در حوزه‌هایی که دستیابی به اجماع سیاسی در آن‌ها دشوار بوده است، شفافیت حقوقی ایجاد کرد. دیگر جای تردید یا مذاکره در این باب باقی نمانده است که:

- سقف ۱/۵ درجه سانتی‌گراد یک هدف الزام‌آور حقوقی در چارچوب موافقت‌نامه پاریس محسوب می‌شود؛

- همه دولت‌ها، به‌ویژه بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای، باید اقدامات کاهش‌ی بلندپروازانه‌ای اتخاذ کنند که با بهترین داده‌های علمی موجود هم‌راستا باشد

همچنین تعهدات حقوقی دولت‌ها از منابع متعدد حقوق بین‌الملل از جمله تعهدات عرفی به جلوگیری از ورود خسارت فرامرزی و اعمال اصل احتیاط و اصل مراقبت مقتضی<sup>۱</sup> [رعایت حقوق انسانی] از طریق کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی ناشی می‌شود و صرفاً محدود به معاهدات اقلیمی نیست؛ پس از صدور این نظر مشورتی، نکات زیر نیز روشن شده است:

- محتوای مشارکت‌های تعیین‌شده ملی دولت‌ها (NDCs) تحت موافقت‌نامه پاریس کاملاً در اختیار صلاح‌دید دولت‌ها نیست؛

- دولت‌های عضو باید نهایت تلاش خود را به کار گیرند تا تعهدات تعیین‌شده آن‌ها بالاترین سطح ممکن از توقعات را منعکس کند؛ که معیار برآورده‌سازی این توقعات بسته به عواملی نظیر سهم کشورها در انتشار متراکم گازهای گلخانه‌ای، سطح توسعه و شرایط ملی آن‌ها متفاوت خواهد بود؛

- مشارکت‌های تعیین‌شده ملی در مجموع، باید قادر باشند هدف دمایی و مقاصد موافقت‌نامه پاریس را محقق ساخته و دولت‌های طرف موافقت‌نامه نیز تعهد دارند با به‌کارگیری بیشترین تلاش‌ها<sup>۲</sup>، این تعهدات تعیین‌شده را محقق سازند. قصور یک دولت در اتخاذ اقدامات مقتضی برای حفاظت از نظام اقلیمی در برابر انتشار گازهای گلخانه‌ای - از جمله انتشار ناشی از تولید یا مصرف سوخت‌های فسیلی، اعطای مجوزهای اکتشاف سوخت‌های فسیلی یا اعطای یارانه به آن‌ها - می‌تواند عمل متخلفانه بین‌المللی قابل انتساب به آن دولت تلقی شود.

علاوه بر این، ممکن است یک دولت به دلیل عدم اتخاذ تدابیر تقنینی و مقرراتی لازم برای محدودسازی انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط اشخاص خصوصی که تحت صلاحیت یا کنترل آن قرار دارند، مسئول شناخته شود.

**برخی از دیگر یافته‌های مهم [برگرفته از نظر مشورتی دیوان عبارتند از]:**

- دولت‌های عضو موافقت‌نامه پاریس دارای تعهد به سازگاری [در قبال تغییرات اقلیم] و همکاری از جمله از طریق انتقال فناوری و منابع مالی هستند، و این تعهدات باید با حسن نیت اجرا شوند؛

- حق بر محیط زیست پاک، سالم و پایدار برای بهره‌مندی از سایر حقوق بشر امری اساسی است؛

پس از تشکیل یک دولت، از بین رفتن یکی از عناصر متشکله آن لزوماً به زوال شخصیت دولت منجر نمی‌شود.

<sup>۱</sup> Due diligence

<sup>۲</sup> Best efforts

هرچند دیوان در مورد مسئولیت دولت‌های معینی اظهار نظر نکرده و تصریح می‌کند که این مسئولیت باید مورد به مورد [جداگانه] ارزیابی شود، اما نظر مشورتی، راهکارهای حقوقی قابل اعمال از جمله در جهت تضمین عدم تکرار، اعاده وضع به حال سابق و جبران خسارت را مشخص می‌سازد.

### حرکت در مرز میان حقوق و سیاست

تفکیک حقوق از سیاست، به همان اندازه اهمیت دارد که استفاده از حقوق برای راهبری سیاست. دیوان [در این نظر مشورتی] پس از تبیین تعهدات و پیامدهای نقض آن‌ها، گامی فراتر نهاده و ابراز امیدواری کرده است که «نتایج آن به حقوق امکان دهد تا اقدامات اجتماعی و سیاسی برای مقابله با بحران جاری اقلیمی را هدایت و راهبری کند.» دیوان اذعان می‌کند که حقوق بین‌الملل در حل بحران اقلیمی نقشی مهم اما در نهایت محدود دارد و تغییرات اقلیمی را «مسئله‌ای وجودی در ابعاد سیاره‌ای که همه اشکال حیات و سلامت سیاره ما را تهدید می‌کند» توصیف می‌نماید. دیوان همچنین بر لزوم مشارکت حقوق، علوم [تجربی و مهندسی]، اقتصاد و سایر حوزه‌های دانش، و نیز بر اراده و خرد انسانی در سطوح فردی، اجتماعی و سیاسی برای تغییر عادات، رفاه و شیوه کنونی زندگی تأکید می‌کند تا آینده‌ای امن برای خود و نسل‌های آینده تضمین شود.

قاضی نولته<sup>۴</sup> در اعلامیه جداگانه خود بر ظرفیت این نظر مشورتی برای تقویت اراده و تعهد سیاسی دولت‌ها تأکید می‌ورزد؛ اراده‌ای که باید از طریق همکاری‌های سیاسی و اداری دارای چارچوب حقوقی تقویت شده و در آن، دادرسی قضایی نقشی مکمل ایفا نماید.

قاضی بهانداری و قاضی‌کلینولد<sup>۵</sup> در اعلامیه‌ای مشترک تصریح می‌کنند که این بر عهده دولت‌ها - و همچنین کنشگران خصوصی تحت صلاحیت آن‌ها - است که سیاست‌های خود را بازنگری و اصلاح کنند تا تحول بنیادینی که برای حفظ آینده مشترک ما ضروری است، محقق شود. آنان با توجه به شدت بحران، بر ضرورت اقدام هماهنگ هر سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه برای مقابله با تغییرات اقلیمی تأکید می‌کنند.

این ملاحظه برای دولت‌ها، دستگاه قضایی و کنشگران خصوصی اهمیت ویژه‌ای دارد. برای مثال، در چارچوب دکتترین مسئله سیاسی<sup>۶</sup>، دادگاه‌های فدرال ایالات متحده گاه با اعمال خویشتن داری قضایی از ورود به ماهیت دعاوی اقلیمی خودداری کرده‌اند. این دکتترین که ریشه در اصل تفکیک قوا دارد، به خوانندگان دعاوی اجازه داده است استدلال کنند که دعاوی اقلیمی قابل رسیدگی قضایی نیستند، چرا که رسیدگی به بحران اقلیمی موضوعی سیاسی است که باید به قوه مجریه و مقننه واگذار شود [نه قوه قضائیه].

<sup>۳</sup> Science

<sup>۴</sup> Judge Nolte

<sup>۵</sup> Judges Bhandari and Cleveland

<sup>۶</sup> The political question doctrine

دیوان بین‌المللی دادگستری به روشنی اعلام کرده است که اقدام اقلیمی [شامل مجموعه فعالیت‌های مناسب برای مواجهه با تغییرات اقلیم و رفع چالش‌های پیش‌رو] یک انتخاب سیاسی نیست. هرچند نظر مشورتی برای هیچ دادگاهی الزام‌آور نیست، اما وزن حقوقی آن به گونه‌ای است که می‌تواند در تعیین آینده آنچه «مسئله سیاسی» تلقی می‌شود - از جمله در سطح ملی - نقش راهنما ایفا کند.

در سطح بین‌المللی، دولت‌ها تعهد به همکاری برای حفاظت از محیط زیست دارند و، همان‌گونه که قاضی بهانداری و قاضی کیولند اشاره می‌کنند، باید این کار را به گونه‌ای قاطع و متناسب با فوریت شرایط و نیاز به راه‌حل‌های جمعی جهانی انجام دهند.

### سیاست‌های دادرسی قضایی

دیوان اظهارات مهمی درباره تعهدات حقوقی دولت‌ها در حوزه تغییرات اقلیمی ایراد کرده است. همچنین تصریح نموده است که «هر دولتی می‌تواند مسئولیت دولت‌های ناقض حقوق بین‌الملل را برای اجرای تعهداتی که در قبال همگان وجود دارد، از طریق دادگاه‌ها مورد استناد قرار دهد». حقوق - و به‌ویژه دادرسی قضایی - ابزارهایی قدرتمند هستند؛ با این حال، همان‌گونه که قاضی نولته هشدار می‌دهد، نباید فراموش کرد که اگر نظر مشورتی به گونه‌ای تلقی شود که گویی راهی برای دولت‌های ناراضی از فرایند سیاسی موافقت‌نامه پاریس جهت دستیابی به اهداف خود از طریق اقامه دعوا از جمله مطالبه غرامت فراهم می‌آورد، ممکن است پیامدهای ناخواسته‌ای در پی داشته باشد. با وجود تمام کاستی‌ها، این فرایند جمعی که در عین حال شکننده و آسیب‌پذیر بوده و خطرات آن بسیار بالاست، ارزشمند است.